

## جریان‌شناسی قرآن‌بسندهی در دو قرن اخیر نگاهی به شبه‌قاره هند و کشورهای عربی

محمد اسعدی\*

### چکیده

جریان قرآن‌بسندهی، در واقع از شاخه‌های جریان کلی قرآن‌گرایی است که در حاشیه جریان اعتدالی قرآن‌گرا قابل توجه است. این جریان، به رغم ریشه‌ها و پیشینه‌های آن در قرن‌های نخستین تاریخ اسلام، در یکی دو قرن اخیر نیز به شکل بارزی نمود یافته و به ویژه در شبه‌قاره هند و برخی کشورهای عربی بروز نموده است. در این جریان، نقش سنت و روایات دینی در فهم قرآن، اعم از معارف نظری و احکام عملی آن، کم‌رنگ شده است و به گونه‌ای افراطی، قرآن‌بسندهی در فهم معارف دینی و قرآنی دنبال می‌شود.

در شبه‌قاره هند، نقش سید احمد خان و همفکران وی به مثابه زمینه‌سازان این جریان، و جماعت‌های قرآن‌گرا به مثابه پرچمداران آن، قابل توجه است. در کشورهای عربی، به ویژه مصر، نقش نهضت اصلاحی برخاسته از اندیشه‌های سید جمال و دیگران، در زمینه‌سازی این جریان، و شخصیت‌هایی چون محمد ابو زید دمنهوری و محمد شحرور، در هدایت آن قابل بررسی است.

### کلیدواژه‌ها:

قرآن‌گرایی، جریان قرآن‌بسندهی، جریان اعتدالی قرآن‌گرا، سنت و روایات دینی.

۵۹۲۹

\* استادیار گروه علوم قرآنی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قرآن گرایان به منایه یک جریان تفسیری، رو بگردی قابل توجه در تاریخ جریان تفسیری به شمار می آید. آنچه این جریان را از سایر جریان‌ها متمایز می‌داند، روش خاص آن است. هدف آن بر اساس آن به فهم و تفسیر آیات قرآن می‌پردازد و در حدود آن است که تلاش و محور تفسیر را بر اساس خود قرآن قرار دهد، و از روش‌های دیگر و اشارات قرآنی در فهم متداول‌ها و معانی آیات مدد جوید؛ از این رو، جریان قرآن‌گرایی با تفسیری که بهره‌مندی از آیات قرآنی را صرفاً به منایه بخشی از کار تفسیر و یاد در حد یک تکلیف و گزینش تلقی می‌کند و بیانات قرآن را به عنوان یکی از منابع تفسیر در نظر دارد، بیگانه می‌داند.

قرآن‌گرایی را می‌توان عنوانی عام در نظر گرفت که در قرن اخیر با تفسیری چون المیزان اثر علامه سید محمد حسین طباطبایی الفرقان اثر شیخ محمد صادقی در حوزه شیعی، و التفسیر القرآنی للقرآن اثر شیخ عبدالکریم الخطیب و أضواء البیان اثر شیخ محمد امین الشنقیطی در حوزه سنی، نمود یافته است. هر چند پیشینه‌های پراکنده و ناقص آن را باید در رویدادهای گذشته تفسیری جستجو کرد.

اما در دستور تحولات و تطورات رویدادهای قرآنی قرن اخیر، در حاشیه جریان یاد شده و با عنوان «تفسیر قرآن گرا» یا «تفسیر قرآن و قرآن»، بار رو بگرد دیگری مواجه هستیم که هر چند برخی از مؤلفه‌های آن جریان را ندارد، اما از آن روی که به مبانی خاص و متفاوتی در فهم قرآن و دین تکیه دارد، کاملاً تفکیک است. از این رو بگرد به نام «جریان قرآن بسندگی» یاد می‌کنیم و در مدد بازسازی آن هستیم.<sup>۱</sup>

آنچه این جریان را از جریان اعتدالی گذشته متمایز می‌کند، آن است که پیروان آن، نقش سایر منابع دینی - به ویژه «سنت» - را در فهم قرآن نادیده انگاشته و به نوعی «قرآن بسندگی» متمایل شده‌اند. طبعاً اهمیت بازشناسی این جریان در روزگار حاضر - با توجه به رویدادهای آسیب‌زا و تأمل‌پذیر، به ویژه در نگاه برخی متکلمان جدید و نظر به پردازان قرآنی‌های نو از دین و قرآن - قابل انکار نیست.

۵۹۳

۱. در گزارشی، جریان شناسی و استنباط‌شناسی این جریان را در یک پژوهش تفصیلی در دست کار دارد.

۲. قرآن بسندگی در شبه قاره هند

این جریان افراقی، به رغم ریشه‌های و پیشینه‌های قابل توجه در طول تاریخ، به منایه جریان دامنه دار و اثرگذار، حاصل رو بگرد بخشی از جنبش‌های نوگانه دهه بیستم قرن اخیر است (شش گفتار، صص ۲۴-۳۱). از جمله مراکز مهمی که شاخه‌ها و روزگاران قرآن بوده، شبه قاره هند است. این سرزمین در طول قرن‌های گذشته، تحولات سیاسی و مذهبی زیادی را پشت سر گذاشته است. در این میان، سال‌های اشغال و استعمار انگلیسی‌ها (۱۸۵۷-۱۹۴۷ م) زمینه پیدایش جنبش‌های گوناگون مذهبی را دامن زده است (جنبش‌های اسلامی و ...، صص ۴) این جنبش‌ها که به طور عمده با اهداف نوگرایانه و اهداف اصلاحی برای مقاومت دینی و ملی در مواجهه با اشغالگران پا گرفت، به لحاظ نظری به برداشت‌های خاصی از دین و شریعت و منابع آن منتهی شد. سیر تطور این جنبش‌ها در آغاز قرن بیستم میلادی، به تشکیل جماعتی بنیادگرا به نام «اهل قرآن» انجامید که فقط قرآن را منبع شریعت می‌شمردند، و راه حل مشکلات و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی را در نادیده انگاشتن سایر منابع متداول شریعت، و تنها اکتفا کردن به قرآن، به عنوان منبع ثابت و جاوید دین تلقی می‌کردند (تاریخ تفکر اسلامی در هند، صص ۱۹). این جماعت، هسته اصلی جریان «قرآن بسندگی» را در شبه قاره تشکیل می‌دهند که شناسایی بسترها و زمینه‌های پیدایش آن و سردمداران آن ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۲. نقش سید احمد خان هندی در زمینه سازی جریان

اثرگذارترین و همگون‌ترین حرکتی که زمینه‌های جماعت «اهل قرآن» را فراهم ساخت، حرکت سید احمد خان (م. ۱۳۱۶ ق / ۱۸۹۸ م) بود.<sup>۲</sup>

۱. شامل سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش که پیش از تجزیه آن به مرزهای سیاسی، به نام شبه قاره هند شناخته می‌شد. جنبش‌های اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند، صص ۳.  
۲. البته برخی پژوهشگران، سید احمد خان را متعلق به جریان نوگرا و دارای گرایش عقلی در فهم می‌شمارند و جماعت «اهل قرآن» را متعلق به جریان بنیادگرا و معتقد به بازگشت به اسلام نخستین تلقی می‌کنند. (تاریخ تفکر اسلامی در هند، صص ۱۹ و ۲۱) با وجود این، نقطه تلاقی و نزدیکی رو بگرد جماعت اهل قرآن با سید

۵۹۴

در فصلنامه  
شماره اول  
بهار و تابستان ۸۵

اصفهان  
شماره اول  
تابستان ۸۵

سید احمد خان را از منظرهای گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد، که عمده‌ترین آنها بعد اصلاح طلبی اوست. وی در اوضاع خاص آن روزگار در جستجوی احکامی برای ساماندهی اوضاع مسلمانان و پیشرفت علمی و فرهنگی آنان بود و در این موقعیت، وی به تعامل با اشغالگران روی آورد، نزاع سنت و تجدد، ص ۲۳۲؛ به نقل از، سید احمد خان و دانشگاه علیگر، محمد اکرام (تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۵۵) همین رویکرد سید احمد خان باعث مخالفت گروه‌های استعمارستیز با وی شد و او را عنصری غرب‌گرا معرفی کرد (نزاع سنت و تجدد، همان) رویکرد قرآنی سید احمد خان، از آن جهت که با موضوع پژوهش مادر ارتباط است اهمیت بیشتری دارد. رویکرد قرآن وی در مقالات و کتاب‌های او، به ویژه کتاب تفسیری تفسیر القرآن و هوالهدی و الفرقان<sup>۱</sup> بروز یافته است.

البته می‌توان این تفسیر را متعلق به جریان افراطی و علمی دانست؛ چراکه او سعی در هم‌سوزی معارف علمی قرآن با علوم تجربی روز داشته و با توجیه معارف غیبی و ماورای طبیعی قرآن، با معانی مادی و طبیعی پرداخته است (تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۶۰؛ نزاع سنت و تجدد، ص ۲۷۰). اما از آن روی می‌توان رویکرد او را در راستای جریان افراطی قرآن‌گرا بررسی کرد که نقش سایر منابع دین و شریعت را کم رنگ می‌کند و از اساس قیدهای وارد شده در سنت صحیح به اطلاقات قرآن رانمی‌پذیرد.

وی برای قبول روایات شرایط زیر را در نظر گرفته است:

- حدیث یقیناً از پیامبر ﷺ صادر شده باشد؛
- شاهدهی در کار باشد که عین کلمات حدیث را، سخن پیامبر ﷺ بشمارد؛
- کلمات روایت قابل حمل بر هیچ معنای دیگری نباشد (القرآنیون و...، ص ۱۰۰ - ۱۰۶ به نقل از مقالات سید احمد خان).

۱- سید احمد خان آن است که این جماعت و برخلاف گروه‌های بنیادگرای پیش از خود، که در واقع از میان آنان اندهاب یافته بود (همان، ص ۲۰)، به انکار حجیت سنت روی آوردند و عملاً ناچار شدند خلا به وجود آمده از این ناحیه را با آموزه‌های از رأی و اندیشه‌ورزی پر کنند.

۱- سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، دو جلد از این تفسیر را به فارسی ترجمه کرده است.

۵۹۳۲

این شرط‌ها در واقع راه‌گرایش به سنت را می‌بندد و آدمی را مجبور می‌کند که از حاد دلالت‌های قرآنی فراتر نرود (نزاع سنت و تجدد، ص ۲۷۲ به نقل از سید احمد خان و اندیشه دین، وحید اختر).

چراغعلی (م ۱۸۹۵) از مدافعان سر سخت سید احمد خان و از منکران سنت است. او به صراحت پیروی از سنت را مانع توسعه و پیشرفت می‌شمارد (القرآنیون و...، ص ۱۰۶ - ۱۱۱). وی سنت را اصولاً از مصادر شریعت نمی‌داند (همان، به نقل از اعظم الکلام، چراغعلی) و بر همین اساس، تفاسیل احکامی مثل زکات را نیز انکار می‌کند. او بر اساس آیات قرآن، زکات شرعی را فقط در «کمک کردن به فقراء از درآمد مازاد بر حاجت انسان» تعریف می‌کند (همان، به نقل از تحقیق الجهاد).

همچنین وی اصل مسلم حجاب را حکم شرعی اسلام نمی‌داند و بر این باور است که پیامبر (ص) به همسران خود دستور حجاب نداده، بلکه تدبیری برای اصلاح عاداتها و پوشش آنها در نظر گرفته است (همان، به نقل از اعظم الکلام، چراغعلی). درباره جهاد نیز به تأویل مفهوم جهاد می‌پردازد و آن را از معنای «جنگ و مبارزه» بیگانه شمرده و صرفاً به معنای تلاش در راه هدف معرفی می‌کند. (همان، به نقل از تحقیق الجهاد، چراغعلی).

از وی آثار گوناگونی درباره مفاهیم دینی و قرآنی به جای مانده، که نشان دهنده آرای افراطی و انحرافی اوست (همان).

## ۲ - ۲. جماعت‌های قرآن‌گرا

با انتشار آرای سید احمد خان و چراغعلی، حرکت گسترده‌ای به عنوان «اهل قرآن» آغاز شد. مؤسس این حرکت «غلام نبی» معروف به عبد الله جکرالوی (م ۱۹۱۴) است که به صراحت از انکار سنت و تکیه بر خود قرآن به عنوان یگانه منبع دین و شریعت سخن گفته است (القرآنیون و شبهاتهم حول السنة، ص ۲۵ به نقل از نزاهة الدخاظر، عبد الحق الحسنی).

همزمان با این شخص، فرد دیگری به نام «محب الحق عظیم آبادی»، در شرق هند با

۵۹۳۲ ۹۹

اندیشه‌های مشابه سر بر آورد؛ با این تفاوت که وی رفتار متعارف دینی داشت و سعی می‌کرد که اعمال رسمی شرع را از آیات قرآن منهای سنت، به دست آورد؛ از این روی، چندان مورد توجه واقع نشد (همان، ص ۲۰).

اما غلام نبی از آغاز حرکت خود با تشکیل فرقه «اهل قرآن» پرچم مخالفت با مسلمانان را برافراشت و پایه‌های حرکت قرآنیون را بر اساس «قرآن منهای سنت» بنا نهاد (همان، ص ۲۱).

وی کتاب‌ها و مقالات گوناگونی در بیان آرای خود نگاشت، که هم اکنون در کتابخانه «ربوة»، متعلق به قادیانیه پاکستان نگهداری می‌شود. <sup>۱</sup> از آن جمله: تفسیر القرآن بآیات الفرقان در یک مجلد، ترجمه القرآن بآیات الفرقان در سه مجلد و رد النسخ المشهور در یک مجلد است (همان، ص ۲۵).

غلام نبی در کتاب‌های خود در پی آن است که همه احکام و مسائل شرعی، حتی شماره نمازها و شماره رکعت‌های آنها را از آیات قرآن استخراج کند (همان). در میان فرقه‌های قرآن گرای معاصر، فرقه «امت مسلم» از بقایای فرقه غلام نبی به حساب می‌آید که شاگرد وی، محمد رمضان آن را بنا نهاده است. این فرقه که مرکز اصلی آن در شهر لاهور است، در بیشتر شهرهای پاکستان شعبه دارد و نشریه‌ای به نام «بلاغ قرآن» منتشر می‌کند (همان، ص ۵۷).

هم اکنون فرقه‌های دیگری نیز با دیدگاه‌های مشابه در پاکستان فعالیت می‌کنند که مهم‌ترین آنها بدین قرارند:

- فرقه امت مسلمه، که خواجه احمد الدین امر تسوی در هند تأسیس کرده است. این فرقه به مرکزیت لاهور، در بیشتر شهرهای پاکستان شعبه دارد و دو نشریه «بلاغ» و «بیان» را منتشر می‌کند (همان، ص ۵۹).

- فرقه طلوع اسلام، که غلام احمد پرویز (متولد ۱۹۰۳ م) در هند تأسیس کرده است.

۱. از آنجا که اصل این آثار به زبان اردو و نیز دور از دسترس بود، در این نوشتار از گزارش جامع خادم حسین الهی بخش، از محققان پاکستانی، که در رساله عربی او به نام القرآنیون و شبهانهم حول السنة آمده است، بهره بردیم.

این فرقه فعال‌ترین فرقه قرآن‌گرا در عصر حاضر است و در تمام شهرهای پاکستان و نیز در قاره اروپا شعبه دارد و بیشتر در میان روشنفکران و تحصیل‌کردگان نفوذ دارد. مرکز اصلی این فرقه در لاهور، و نشریه رسمی آن «طلوع اسلام» نام دارد که بیش از پنجاه سال از انتشار آن می‌گذرد (همان، ص ۶۰).

- حرکت تعمیر انسانیت، از حرکت‌های نوپدید در پاکستان، و مؤسس آن عبدالخالق مالواده است. از مبلغان فعال این فرقه می‌توان از قاضی کفایه الله نام برد (همان، ص ۶۲).  
گفتنی است، شمار پیروان این فرقه‌ها، حدود سه درصد کل جمعیت پاکستان است (همان، ص ۶۵). پس از استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ م، بسیاری از اعضای این فرقه و نیز پیروان قادیانیه بر مراکز حساس دولتی حاکم شدند. از جمله فعالیت‌های این فرقه تشکیل کنفرانس‌هایی بوده که توفیق چندانی هم در بر نداشته است (همان).

### ۳. قرآن بسندگی در کشورهای عربی

در قرن اخیر در کشورهای عربی، به ویژه مصر، که پیشینه طولانی در فعالیت‌های دینی داشته‌اند، شاهد رویکردهای افراطی‌ای هستیم که در راستای موضوع بحث ما درخور توجه است.

این جریان در کشورهای عربی از سوی برخی حرکت‌های نوگرایانه و اصلاح طلب دنبال می‌شود که در کنار حرکت شبه قاره هند قابل توجه است. رابطه حرکت‌های نوگرایانه و اصلاحی مصر، که به جریان قرآن بسندگی انجامید، با حرکت‌های اصلاحی شبه قاره هند، مورد توجه برخی از پژوهشگران است (مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۳۴۷).

شاهد روشنی در مورد اثرپذیری حرکت هندی از حرکت مصری، یا به عکس، ارائه نشده است. تشابه زیادی میان رویکردهای افراطی در هر دو حرکت دیده می‌شود؛ و هر دو حرکت به نوعی به تقلیدگریزی و نفی منابع غیر قرآنی در فهم دین و شریعت، گرایش دارند. همچنین هر دو رویکرد، گویی در اثر مواجهه با پیشرفت صنعتی غرب و مشاهده عقب‌ماندگی‌های علمی و فرهنگی مسلمانان شکل گرفته است، و در پی نوعی بازنگری در تفسیر دین و قرآن بوده‌اند (شش گفتار، ص ۲۴).

۵۹۳۵

زمینه‌های جریان مورد بحث در کشور مصر و در دیگر کشورهای عربی را باید در نهضت اصلاحی و عقل‌گرایی جستجو کرد، که با آرای سید جمال‌الدین اسدآبادی آغاز و در تفاسیر محمد، عابد، محمد مصطفیٰ مراغی، محمد رشید رضا و دیگران با جابجایی دنبال شد (سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او، ص ۳۷۳ - ۳۸۷). رویکرد اساسی این حرکت، اندیشه‌های اجتماعی اصلاحی است و با آن که در این حرکت، قرآن مصدر اساسی تشریح شمرده می‌شود، اما نقش دیگر منابع، از جمله سنت نیز به کلی نادیده انگاشته نمی‌شود (اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ص ۱۰، ۲۱۵، ۷۰ - ۴۱۰). از این رو تفسیر المنار را که سرآغازی برای تفاسیر این حرکت است، به جریان اعتدالی قرآن‌گرا متعلق می‌دانیم.

در ادامه جنبش اصلاح‌گری دینی و با اندیشه‌های نوگرایانه، رویکرد قرآن‌بسندهی بروز کرده است که در این بحث درخور توجه است. جهت عمده و اساسی این رویکرد، نفی سنت در تفسیر دین و قرآن است. ظاهراً نخستین بار مجله مصری المنار وابسته به مکتب رشید رضا، شبهات پیرامون سنت را در قالب دو مقاله از محمد توفیق صدقی (م ۱۳۳۸ ق) نام «الاسلام هو القرآن وحده» منتشر ساخته است که مورد بحث و گفتگوی محمد رشید رضا قرار می‌گیرد (القرآنیون، ص ۱۱۲).

نقد احادیث منابع مشهور سنت در میان گروهی از روشنفکران عرب با تألیف کتاب اضواء علی السنة المحمدية نوشته محمود ابوریة در سال ۱۹۵۷ به طور جدی صورت گرفته و پس از آن نیز ادامه یافته است. البته در این جریان، افرادی چون ابوریة صرفاً ادعای پالایش منابع حدیثی و تفکیک میان سنت صحیح و معتبر، از سنت نامعتبر را دارند، نه انکار صریح حجیت سنت پیامبر در مقام شرح و تفسیر قرآن (اضواء علی السنة المحمدية، ص ۴۲، و همو، شیخ المضیرة ابو هريرة، ص ۲۷۰)؛ هر چند این کار در عمل، به رویکرد افراطی نفی احادیث و اکتفا کردن به قرآن در معرفت دینی منتهی شده است.<sup>۱</sup>

۱. چنان که وی از ادعای انبی نبوی از کتابت سنت - آن گونه که در برخی روایات گزارش شده - و تدوین شدن سنت به دست صحابه را، برای مدعای کافی بودن قرآن سود برده است. شگفت آن که حتی مخالفت

۵۹۲۷

همچنین، برخی دیگر از منتقدان سنت همچون «ابو شادی احمد زکی» (م ۱۹۵۵) امری را که تفاوتی به عموم منابع دین دارد، و احکام قرآن و سنت را در بستر زمان قابل تغییر می‌داند، و با رویکردی افراطی در مسئله وحدت ادیان، مسلمانان را به مسیحی شدن قبل از اسلام آوردن، فرامی‌خواند؛ و اصولاً مبادی نظری و عمای اسلام را با مبادی فکری و علمی تمدن آمریکایی نزدیک می‌داند و دفاع کنونی آمریکا از جهان آزاد را در امتداد رسالت حضرت محمد ﷺ می‌شمارد (القرآنیون و...، ص ۱۷۶ و ۱۸۰؛ کیف نتعامل...، ص ۴۴۸؛ اتجاهات التفسیر...، ج ۱، ص ۲۵۷).

طبعاً تحقیق در مورد این گروه، از بحث ما خارج است؛ هر چند برخی ادله و پشتوانه‌های فکری آنها در نقد سنت، با ادله جریان قرآن‌بسندهی اشتراک دارد.

## ۲ - ۳. محمد ابوزید دمنهوری

یکی از پیروان جدی رویکرد مورد بحث، محمد ابوزید دمنهوری است که انتشار کتاب تفسیری او به نام الهدایة والعرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن در سال ۱۳۴۹ ق در مصر، به شدت جامعه علمای اسلامی را برآشفته و در نهایت به جمع‌آوری آن انجامید (التفسیر والمفسرون، الذهبی، ج ۲، ص ۵۳۳ و ۵۴۶؛ اصول التفسیر وقواعده ص ۲۵۵ - ۲۶۱). هر چند، آرای افراطی او در قالب جریان مورد بحث همچنان مطرح است.

دمنهوری، از دانشجویان مرکز دار الدعوة والإرشاد وابسته به سید رشید رضا، و از شاگردان محمد توفیق صدقی به شمار می‌آید. وی سنت را مایه مصیبت و نکبت مسلمانان و دین شمرده است، و نابودی منابع سنت را آرزو می‌کند. القرآنیون و...، ص ۱۸۱). در مقدمه تفسیر نیز، تفاسیر روایی را دربردارنده زواید و جعلیات شمرده، و فهم قرآن را صرفاً در پرتو قرآن و واقعیات نظام هستی ممکن می‌داند (القرآنیون و...، ج ۲، ص ۵۳۳؛ الدمنهوری، الهدایة والعرفان، ص ج - د).

دمنهوری ذیل آیه ۶۳ سوره نور (...فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ...) می‌گوید: مخالفت با سنت و اوامر پیامبر ﷺ به قصد اعراض و رویگردانی نارواست، ولی بر اساس

••• کردن عمر با قلم و دوات خواستن پیامبر ﷺ در بستر احضار، و کافی شمردن قرآن در سخن عمر را به مثابه امری مشروع، مستند رأی خود می‌داند. اضواء علی السنة المحمدية، ص ۴۶ - ۵۲ و ۵۵.

۵۹۲۷

مصلحت و به اقتضای رأی، جایز است (القرآنیون و... ج ۲، ص ۵۳۴؛ البته نه وی، الهدایة والعرفان، ص ۲۸۱). هـ. چنین وی با تأثیر گرفتن از مکتب فکری، شاید در ادب تفسیر المنار، بسیاری از احکام و معارف قرآنی، از جمله حکم عام زناکار، و دزد، معجزات غیبی پیامبران و نبوت حضرت آدم و انکار و یا توجیه و تاهیل می‌کند. (القرآنیون و...، ج ۲، ص ۲۳، ۴۵، ۹۷، ۱۶۱، ۲۰۶، ۲۷۴، ۲۹۰، ۲۹۷، ۹۴۴؛ اتجاهات التفسیر...، ص ۷۳۶-۷۳۹).

### ۳-۳. محمد شحرور

از دیگر اندیشمندانی که در سال‌های اخیر به گونه‌ای در جریان مورد بحث ما قرار می‌گیرد، یک مهندس سوری، به نام محمد شحرور است. اثر مشهور وی کتاب و القرآن در محافل علمی، بحث‌های فراوانی را دامن زده و تاکنون ادامه دارد (اصول التفسیر و قواعد، ص ۷۲۸؛ «بولتن مرجع ۲»، ص ۱۸۳).

وی بر اساس اصل جاودانگی و جهانی بودن رسالت اسلام می‌گوید: در هر زمانی می‌توان قرآنی خاص از دین داشت و نیازی نیست که قرآن را در آینه فهم مردم عصر نزول بفهمیم؛ چه این که در عصر نزول، خداوند همه مردم را قاری و مخاطب قرآن در نظر گرفته است؛ بنا بر این، هر کس به عنوان مخاطب قرآن، حق دارد فهم و قرآنی ویژه عصر خود را داشته باشد، و در اینجا نسبت فهم، پذیرفتنی و بی‌اشکال است (الکتاب و القرآن، ص ۵۷۸).

شحرور با نادیده انگاشتن نقش سنت در تفسیر همچون نادیده انگاشتن نقش فهم مخاطبان عصر نزول، و به سخن دیگر که خود او می‌پسندد - با تعریف دیگری از سنت و جایگاه آن، بر دلالت خود قرآن تکیه می‌کند و با یک نگاه عصری و بامبانی زبان شناختی مورد نظرش، به تفسیر قرآن می‌پردازد؛ و بر اساس اصل عدم ترادف، فقه و تفسیر جدیدی را بنا می‌گذارد و آرای خاصی عرضه می‌کند (الکتاب و القرآن، ص ۵۷۹، و همو، نحو اصل جدیدة الفقه الاسلامی، ص ۶۰؛ التفسیر والمفسرون فی العصر الحديث، ص ۴۵۴).

## منابع

### الف) کتب

۱. أضواء علی السنة المحمدية، محمود ابوریة، دار الكتاب الاسلامی، قم، ۱۳۷۴ ش.
۲. شیخ المضیرة ابو هريرة، الطبعة الثالثة، مؤسسة الاعلمی، بیروت، [بی تا].
۳. القرآنیون وشبهاتهم حول السنة، خادم حسین الهی بخش، مکتبة الصدیق، الطائف، ۱۴۰۹ ق.
۴. نزاع سنت و تجدد، رسول جعفریان، انتشارات رنوف، قم، ۱۳۷۱ ش.
۵. تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء الدین خرمشاهی، سازمان انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۶. التفسیر والمفسرون، محمد حسین الذهبی، الطبعة الثانية، دار الکتب الحدیثة [بی جا]، ۱۳۶۹ ق.
۷. اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، فهد الرومی، [بی جا]، [بی تا]، ۱۴۰۷ ق.
۸. منهج المدرسة العقلية الحدیثة فی التفسیر، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۹. الکتاب و القرآن، محمد شحرور، الأهالی للطباعة والنشر، دمشق، ۱۹۹۷ م.
۱۰. نحو اصل جدیدة للفقه الاسلامی، محمد شحرور، الأهالی للطباعة والنشر، دمشق، [بی تا].
۱۱. التفسیر والمفسرون فی العصر الحديث، محمد صالح عبدالقادر، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۱۲. تاریخ تفکر اسلامی در هند، احمد عزیز، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۱۳. اصول التفسیر و قواعد، خالد عبدالرحمان العک، دار النفا، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۵۹۹۱ ۱۰۵

۱۴. القرآن و القرآن، الحکمة للطباعة والنشر، دمشق، ۱۴۱۶ ق.
۱۵. شش گفتار درباره دین و جامعه، حمید عنایت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۶. کیف نتعامل مع السنة النبوية، يوسف القرضاوی، المعهد العالمي للفکر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. مذاهب تفسیر الاسلامی، گلدرز بهر، ترجمه عبدالحلیم التجار، دار اقراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. سید جمال الدین و اندیشه های او، مرتضی مدرس چهاردهی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. جنبش اسلامی و گرایش های قومی در مستعمرة هند، حسن مشیر، ترجمه حسن لاهوتی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
- (ب) مقالات:
۲۰. بولتن مرجع ۲، محمد فتحعلی خانی، مرکز مطالعات فرهنگی بین المللی، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۵۹۴۰